

نقش واسطه‌ای نشخوار خشم و نشخوار خودسرزنش‌گری در رابطه ی بین دزدگی و خشونت زناشویی

مونا کوچکی امیرهنده^۱، احمد کربلایی محمد میگونی^۲
و مهرداد ثابت^۳

دریافت مقاله Feb 17, 2017، پذیرش مقاله Feb 30, 2017

خشونت زناشویی به دلیل پیامدهای نامطلوبش، باید پیشگیری و از طریق سیاست‌های اجتماعی آموزشی و حقوقی به آن توجه شود و پژوهش‌های قبلی، دزدگی را عاملی برای پریشانی و آشفتگی در روابط زناشویی شناسایی کرده‌اند. هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش واسطه‌ای نشخوار خشم و نشخوار خودسرزنش‌گری در رابطه ی بین دزدگی و خشونت زناشویی بود. بدین منظور، طی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی ۲۵۰ نفر از ساکنین شهر تهران به روش نمونه‌برداری در دسترس انتخاب و از نظر تاکتیک‌های تعارضی، دزدگی زناشویی، نشخوار خشم و نشخوار خودسرزنش‌گری مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادله‌های ساختاری نشان داد دزدگی با واسطه‌گری نشخوار خشم، خشونت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند اما، با واسطه‌گری نشخوار خودسرزنش‌گری، خشونت زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کند. از نتایج پژوهش حاضر چنین برمی‌آید که نشخوار خشم، افراد را برای درگیر شدن در رفتار خشونت برای تنظیم عاطفه ی منفی ناشی از دزدگی زناشویی با انگیزه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: خشم، خشونت زناشویی، خودسرزنش‌گری، دزدگی، نشخوار

مقدمه

خشونت زناشویی، به این دلیل که در حریم خصوصی افراد رخ می‌دهد از خشونت‌های دیگر متمایز است (آفتاب، کربلایی محمد میگونی و تقی‌لو، ۲۰۱۵). واژه‌های خشونت شریک جنسی، خشونت خانگی، زن‌آزاری، همسرآزاری و شریک‌آزاری نیز اغلب برای اشاره به خشونت زناشویی به کار می‌رود (اعظم علی و نایلور، ۲۰۱۳). خشونت زناشویی می‌تواند خشونت جسمانی، جنسی، هیجانی و یا روان‌شناختی را در برگیرد (کاستا، کاستل، والکر، کورتیس و همکاران، ۲۰۱۵) و یکی از مشکلات

۱. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران، (نویسنده ی مسؤل) Monaakochaki@gmail.com

۲. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

۳. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران

اجتماعی جدی است که بهزیستی بسیاری از افراد را تحت تاثیر قرار داده است (زانگ، وونگ، ایپ، فان و همکاران، ۲۰۱۵). خشونت زناشویی، تاثیرات قابل توجه و گسترده‌ای دارد و پر واضح است که قربانیان، بیشتر از همه در این نوع خشونت رنج می‌برند. خشونت زناشویی، یکی از مشکلاتی است که جوامع امروز با آن روبرو هستند و تمام افراد صرف نظر از زمینه‌های فرهنگی، گرایش‌های جنسی سن، قوم، سطح تحصیلات و طبقات اقتصادی-اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده است و به دلیل پیامدهای نامطلوبش، باید پیشگیری و از طریق سیاست‌های اجتماعی، آموزشی و حقوقی به آن توجه شود (آفتاب و همکاران، ۲۰۱۵).

پژوهش‌های قبلی، دو عامل برای پریشانی و آشفتگی در روابط زناشویی تحت عنوان تعارض‌های زناشویی آشکار یا عدم توافق^۱ و دلسردی و بی‌تفاوتی^۲ یا به عبارتی دلزدگی^۳ را شناسایی کرده‌اند (هرینگتون، میشل، کاستلونی، جوزف و همکاران، ۲۰۰۸). کایسر (۱۹۹۳) دلزدگی زناشویی را فقدان تدریجی دلبستگی عاطفی^۴ تعریف کرد که شامل کاهش توجه به همسر، بیگانگی عاطفی^۵ و افزایش احساس دلسردی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر است و شامل سه مرحله ی سرخوردگی و ناامیدی، خشم و تنفر و دلسردی و بی‌تفاوتی می‌شود. افراد در واکنش به موقعیت‌های تحریک‌کننده و تعارض آمیز با یکدیگر متفاوت‌اند (لیواریت، هویج‌دینگ، وندر وین، هونس و همکاران، ۲۰۱۷). نشخوارگری، به توجه متمرکز مکرر بر نگرانی‌های شخصی و اهداف حل نشده، هیجان‌های منفی، علل و پیامدهای هیجان‌های منفی اشاره دارد (امیری، آزاد مرزآبادی، نصیری و قاسمی قشلاق، ۲۰۱۶). نشخوار خشم^۵ یکی از انواع نشخوار فکری است که تمایل به تمرکز بر افکار مرتبط با خلق در طول رویدادهای خشمگینانه تعریف شده است (ساخودولسکی، گولوب و کرومول، ۲۰۰۱).

پژوهش‌ها، نشان داده است افرادی که به نشخوار و نشخوار خشم می‌پردازند، هیجان‌های خشمگینانه ی خود را تداوم یا شدت می‌بخشند (لیواریت و همکاران، ۲۰۱۷). آنستیس، آنستیس، سلیبی و جوینر (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان دادند که نشخوار خشم، پیش‌بینی‌کننده ی پرخاشگری جسمانی و کلامی و خصومت است و ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه، نقش عاملی را ایفا کند که حواس فرد را از نشخوار خشم پرت می‌کند و منجر به کاهش موقتی خشم می‌شود. این طور پیشنهاد شده که خودسرزنش‌گری نیز زمانی که شکل نشخواری یا به عبارتی نشخوار خودسرزنش‌گری به خود بگیرد مشکل ساز است (کولوینسکی، نیکویک، لاورنس و اسپادا، ۲۰۱۶). نشخوار خودسرزنش‌گری شکلی

از نشخوار فکری و تفکر تکراری منفی است که هدفش بی‌ارزش‌سازی خود است و پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که با مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب و خشم در ارتباط است (اسمارت، پیترز و بایر، ۲۰۱۶). خودسرزنش‌گری، شکلی از یک خود ناکافی و از دیگر عواملی است که با سازگاری و تعارض‌های زناشویی همبسته است (لویک و همکاران، ۲۰۰۹؛ مارتینز، کاناوارو و موریرا، ۲۰۱۵). خودسرزنش‌گری، با دل‌سردی و بی‌تفاوتی نیز همبسته است؛ بدین معنی که افراد خودسرزنش‌گر نسبت به دیگران سرداند (دینگر، بارت، زیمرمن، اسپانبرگ و همکاران، ۲۰۱۵). ابی‌حیب و لایتن (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند، افراد خودسرزنش‌گر در مقابل دیگران رقابت‌گر خصمانه و دوسوگرایانه رفتار می‌کنند. آنها به راحتی نسبت به دیگران از خود خشم نشان می‌دهند و به سختی خشم خود را در مقابل دیگران کنترل می‌کنند که این اغلب منجر به تعارض در روابط بین‌فردی می‌شود.

قرار گرفتن در معرض خشونت، ممکن است باعث افزایش احساس افسردگی شود و همچنین روی توانایی مواجهه با استرس تاثیر بگذارد، بنابراین به پیامدهایی نظیر افکار خودکشی و تلاش برای خودکشی بیانجامد (شفیعی، سجادی‌پور و حیدری‌راد، ۲۰۱۶). هدف اصلی این پژوهش پاسخ‌گویی به این سوال بود که آیا نشخوار خشم و نشخوار خودسرزنش‌گری، رابطه‌ی بین دلزدگی و خشونت زناشویی را واسطه‌گری خواهند کرد؟

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادله‌های ساختاری بود. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل ساکنان متاهل شهر تهران بود. با توجه به اینکه کلاین (۲۰۰۵) با تقسیم انواع مدل‌های معادله‌های ساختاری به سه نوع ساده، کمی پیچیده و مدل‌های پیچیده عنوان می‌کند که حجم نمونه در مدل‌های ساده زیر ۱۰۰، در مدل‌های کمی پیچیده بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر و در مدل‌های پیچیده، بالای ۲۰۰ نفر باشد و با توجه به تعداد متغیرهای مورد بررسی، پژوهش حاضر از نوع مدل‌های کمی پیچیده است. بنابر این با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، نمونه‌ی آماری این پژوهش ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد. نمونه‌ها به صورت نمونه‌ی در دسترس، با مراجعه به سایت شهرداری شهر تهران و تهیه‌ی لیستی از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از بین مراکز تفریحی (پارک و سینماها) و مراکز فرهنگی (خانه‌ی سلامت، سرای محله و فرهنگ‌سراها) انتخاب شد. ملاک ورود به پژوهش رضایت آگاهانه و حداقل زندگی مشترک به مدت دو سال بود. آزمودنی‌ها پس از توجیه توسط پژوهشگر و

اعلام رضایت کتبی با مقیاس تاکتیک‌های تعارضی تجدید نظر شده، مقیاس دزدگی زناشویی، مقیاس نشخوار خشم و مقیاس نشخوار خودسرزنش‌گری مورد آزمون قرار گرفتند.

مقیاس تاکتیک‌های تعارضی تجدید نظر شده که توسط استراوس، همبلی، بانی-مک کوی و سوگارمن (۱۹۹۶) ساخته شده با ۷۸ سوال و پنج خرده‌مقیاس، یک ابزار خود گزارش دهی برای ارزیابی تعارض‌های زناشویی است. استراوس و همکاران (۱۹۹۶) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ را برای کل مقیاس و اعتبار همگرایی قابل قبولی برای این مقیاس گزارش کردند. با استفاده از روش تحلیل عاملی و با حذف خرده مقیاس‌های «اجبار جنسی» و «آسیب» ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۶۶ تا ۰/۸۶ به عنوان شاخصی از همسانی درونی مقیاس تاکتیک‌های تعارضی تجدید نظر شده گزارش شده است.

مقیاس دزدگی زناشویی کایسر (۱۹۹۳)، با ۲۱ سوال یک ابزار خود گزارش دهی برای ارزیابی میزان دزدگی نسبت به همسر است. کایسر (۱۹۹۳) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۷ گزارش کرد. او همبستگی منفی بین نمره ی دزدگی و مقیاس شادکامی زناشویی ادراک شده ($r = -0.56$) و مقیاس صمیمیت زناشویی ($r = -0.86$) را به عنوان شاخص‌هایی از اعتبار و آگرایی این ابزار گزارش کرده است.

مقیاس نشخوار خشم ساخودولوسکی و همکاران (۲۰۰۱) با ۱۹ سوال و چهار خرده مقیاس، افکار متعاقب خشم، افکار تلافی جویانه، خاطره‌های خشم و شناخت علت‌ها یک ابزار خود گزارش دهی برای ارزیابی تمایل به تفکر در مورد موقعیت‌های خشم انگیز فعلی و یادآوری تجربه‌های خشم انگیز است. ساخودولوسکی و همکاران (۲۰۰۱) برای این مقیاس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و ضریب بازآزمایی ۰/۷۷ را گزارش کردند. بشارت و محمدمهر (۱۳۸۸) ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و برای خرده‌مقیاس‌های افکار متعاقب خشم، افکار تلافی جویانه، خاطره‌های خشم و شناخت علت‌ها را به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۲، ۰/۷۹، ۰/۷۰ و ۰/۷۸ گزارش کرده اند.

مقیاس نشخوار خودسرزنش‌گری اسمارت، پیتر و بایر (۲۰۱۵) یک ابزار خود گزارش دهی برای ارزیابی نشخوار خود ارزیابی‌های منفی و شامل ۱۰ سوال است. اسمارت و همکاران (۲۰۱۵) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ را گزارش کردند. آنها همبستگی مثبت و معنادار بین این ابزار و دیگر ابزارهای نشخوار فکری از جمله خرده مقیاس نشخوار فکری، خرده مقیاس تعمق، مقیاس نشخوار خشم، مقیاس نشخوار اضطراب، مقیاس رنجش‌های بین فردی و پرسش‌نامه ی پردازش پس از سانحه را به عنوان شاخصی از اعتبار همگرا گزارش کردند.

در پژوهش حاضر از روش مدل‌یابی معادله‌های ساختاری به شرط برقراری پیش‌فرض‌های هم خطی بودن و نرمال بودن توزیع چند متغیری و برای نشان دادن روابط مستقیم و روابط غیرمستقیم استفاده شد. داده‌ها با بیست و یکمین ویرایش نرم افزار SPSS و نرم افزار لیززل مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول ۱، مولفه‌های توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

| متغیر | M | sd | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
|--------------------------------------|-------|-------|---------|---------|---------|---------|
| ۱. دلزدگی | ۴۸/۹۹ | ۱۶/۵۲ | - | | | |
| ۲. نشخوار خودسرزنش‌گری | ۲۱/۴۲ | ۹/۸۴ | ۰/۷۹۷** | - | | |
| ۳. نشخوار خشم | ۴۶/۰۸ | ۱۹/۴۸ | ۰/۷۴۶** | ۰/۸۷۱** | - | |
| ۴. خشونت زناشویی - خشونت روان‌شناختی | ۲۷/۸۳ | ۲۰/۸۰ | ۰/۵۷۳** | ۰/۵۰۱** | ۰/۵۲۱** | - |
| ۵. خشونت زناشویی - خشونت جسمانی | ۴۲/۳۶ | ۳۰/۷۳ | ۰/۶۲۱** | ۰/۵۵۴** | ۰/۵۸۵** | ۰/۸۹۱** |

به منظور بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن توزیع تک متغیر مقادیر کشیدگی و چولگی و به منظور ارزیابی مفروضه‌ی هم خطی بودن عامل تورم واریانس^۱ و ضریب تحمل^۲ مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی‌ها نشان داد که شاخص‌های مربوط به چولگی و کشیدگی هیچ کدام از عاملها از مرز $2 \pm$ عبور نکرده است. بنابراین می‌توان گفت که توزیع داده‌ها برای هر یک از متغیرهای پژوهش نرمال است. همچنین، مساله‌ی هم خطی بودن نیز در متغیرهای تحقیق رخ نداده است. یکی دیگر از مفروضه‌های تحلیل مدل‌یابی معادله‌های ساختاری، نرمال بودن توزیع چند متغیری است، استفاده از روش فاصله مهلبویس^۳ نشان داد که ترکیب متغیرهای پیش‌بین در تبیین متغیر ملاک، نرمال است.

در پژوهش حاضر، متغیر مکنون خشونت زناشویی و متغیرهای مشاهده شده آن بود. از آنجا که متغیر مکنون خشونت زناشویی دارای دو نشانگر (خشونت روانی، خشونت جسمانی) است، بنابراین پارامترهای معلوم آن ۳ خواهد بود $(V(V+1))/2$ و در سوی دیگر تعداد پارامترهای مجهول ۴ خواهد بود (دو واریانس و دو ضریب مسیر). بنابراین، انتظار می‌رود درجه‌ی آزادی در مدل اندازه‌گیری برابر با منفی یک باشد (در مدل‌یابی معادله‌های ساختاری درجه‌ی آزادی حاصل تفریق پارامترهای

1.variance inflation factor (VIF)
2.tolerance

3.Mahalanobis distance (D)
4.Root Mean Square Error of Approximation

مجهول از پارامترهای معلوم است ($1-4=3$). به این نوع از مدل که در آن درجه ی آزادی کوچکتر از صفر است، مدل زیرمانند گفته می شود. زمانی که مدل زیرمانند باشد، نه پارامترها و نه شاخص های برازندگی برآورد نمی شود (هو، ۲۰۰۶؛ کلاین، ۲۰۰۵). بدین ترتیب در پژوهش حاضر، مدل اندازه گیری ارزیابی نشد و تنها به ارزیابی شاخص های برازندگی مدل کلی اکتفا شد. در این مدل، چنان فرض شده است که دلزدگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم از طریق نشخوار خودسرزنشگری و نشخوار خشم، خشونت زناشویی را پیش بینی می کند.

استفاده از روش تحلیل مدل یابی معادله های ساختاری برای ارزیابی چگونگی برازش مدل پژوهش با داده های گردآوری شده نشان داد که مدل، برازش قابل قبولی با داده ها ندارد. منطبق بر انتظار شاخص مجذور کای در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ($P < 0/01$, $\chi^2 = 159/91$). از آنجا که شاخص مجذور کای تحت تاثیر حجم نمونه قرار دارد، دیگر شاخص های برازندگی مورد بررسی قرار گرفت. اینکه ریشه ی خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۴۵۸ بود، نشانگر برازش عالی مدل با داده های گردآوری شده است. ارزیابی شاخص های اصلاح نشان داد که با ایجاد کواریانس بین خطای نشخوار خود سرزنشگری و نشخوار خشم، کای اسکویر به میزان ۱۵۹ واحد کاهش یافته و

جدول ۲. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیر مستقیم بین دلزدگی، نشخوار خود سرزنشگری و نشخوار خشم و خشونت زناشویی

| مسیرها | b | S.E | β | P |
|-------------------------------------|--------|-------|---------|-------|
| رابطه ی کل | ۰/۷۱۳ | ۰/۰۶۴ | ۰/۶۲۹ | ۰/۰۰۲ |
| رابطه ی مستقیم | ۰/۵۱۴ | ۰/۱۲۴ | ۰/۴۵۳ | ۰/۰۰۲ |
| دلزدگی - نشخوار خود سرزنشگری | ۰/۴۷۵ | ۰/۰۱۹ | ۰/۷۹۱ | ۰/۰۰۲ |
| دلزدگی - نشخوار خشم | ۰/۸۸۰ | ۰/۰۴۳ | ۰/۷۴۶ | ۰/۰۰۲ |
| نشخوار خود سرزنشگری - خشونت زناشویی | -۰/۱۶۰ | ۰/۲۱۳ | -۰/۰۸۴ | ۰/۴۵۴ |
| نشخوار خشم - خشونت زناشویی | ۰/۳۱۳ | ۰/۱۳۱ | ۰/۳۵۲ | ۰/۰۱ |
| رابطه ی غیرمستقیم | ۰/۲۰۰ | ۰/۰۹۴ | ۰/۱۷۶ | ۰/۰۳۵ |

شاخص هایی حاصل خواهد شد که بیانگر برازش قابل قبول مدل با داده هاست. با اصلاح مدل ملاحظه شد که شاخص کای اسکویر در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست ($\chi^2(N=250, df=2) = 0/910$)؛ یعنی بین مدل مفهومی پژوهش و داده های گردآوری شده، برازش مطلوب وجود دارد. جدول ۲ ضرایب مسیر مستقیم، غیر مستقیم و کل را در مدل حاضر و جدول ۳ معناداری هر یک از روابط غیر

مستقیم بین دزدگی و خشونت زناشویی به واسطه ی متغیرهای نشخوار خشم و نشخوار خود سرزنشگری را بر اساس فرمول بارون و کنی (۱۹۸۶) نشان می دهد.

جدول ۳. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیر مستقیم بین دزدگی، نشخوار خود سرزنشگری و نشخوار خشم و خشونت زناشویی

| Z | β | مسیرها |
|-------|---------|--|
| -۱/۰۹ | -۰/۰۶ | دزدگی ← نشخوار خود سرزنشگری ← خشونت زناشویی ^b |
| *۲/۳۷ | ۰/۲۶ | دزدگی ← نشخوار خشم ← خشونت زناشویی ^a |

$p^{**} < ۰/۰۱$ و $p^* < ۰/۰۵$

استفاده از فرمول بارون و کنی به منظور تعیین نقش منحصر به فرد هر یک از متغیرهای واسطه‌ای در رابطه ی بین دزدگی و خشونت زناشویی، نشان داد که متغیر واسطه‌ای نشخوار خشم ($\beta = ۰/۲۶۲۶$, $Z = ۲/۰۳۷$) به صورت معنادار و به صورت مثبت، رابطه ی بین دزدگی و خشونت زناشویی را واسطه‌گری می کند و متغیر واسطه‌ای نشخوار خود سرزنشگری ($Z = ۲/۰۳۷$, $\beta = -۰/۰۶۶۴$) به صورت معنادار رابطه ی بین دزدگی و خشونت زناشویی را واسطه‌گری نمی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که متغیر دزدگی با واسطه‌گری نشخوار خشم، خشونت زناشویی را پیش بینی می کند. همچنین نتایج نشان داد که متغیر دزدگی با واسطه‌گری نشخوار خود سرزنشگری، خشونت زناشویی را پیش بینی نمی کند. نتایج پژوهش حاضر در خصوص واسطه‌گری رابطه ی بین دزدگی و خشونت زناشویی با نتایج حاصل از پژوهش‌های ابی حبیب و لایتین (۲۰۱۳)؛ باردرز، ارلی وین و جاجودیا (۲۰۱۰)؛ دنسون، پدرسن، فریز و هام (۲۰۱۱)؛ ترنر و وایت (۲۰۱۵)؛ شورای، مک نالتی، مور و استوارت (۲۰۱۵) هم راستاست. در تبیین یافته‌های حاصل از این پژوهش می توان گفت، دزدگی به دلیل وجود اشکال در یک یا هر دو نفر نیست. دزدگی از عشق یک روند تدریجی است، به ندرت و به طور ناگهانی بروز می کند به طوری که صمیمیت و عشق زندگی رنگ باخته و خستگی عمومی عارض می شود. در شدیدترین نوع دزدگی با فروپاشی رابطه همراه است (سودانی، دهقانی و دهقان زاده، ۲۰۱۳). دزدگی در یک رابطه ی زوجی، به معنای نگرش منفی و غیر لذتبخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (کمایی و صداقتی فرد، ۲۰۱۵). از سویی دیگر، کاپالدی، کنابل، شورت و کیم (۲۰۱۲) عوامل خطر

در خشونت زناشویی را به عوامل بافتی، عوامل رشدی، رفتاری و عوامل ارتباطی تقسیم کردند. عوامل ارتباطی، شامل وضعیت زناشویی، اختلافات در روابط، رضایت زناشویی، سبک های دلبستگی زوجین و عاطفه ی منفی و حسادت می شود. از این رو می توان گفت دلزدگی با کاهش رضایت زناشویی بر دامنه ی تعارضات زناشویی افزوده و منجر می شود زوجین در عوض به کارگیری راهبردهای حل تعارض سازنده، به خشونت زناشویی متوسل شوند. کاهش رضایت زناشویی، یکی از برجسته ترین عوامل خطر برای خشونت زناشویی است (مالوری، دهارنیدهارکا، دیتز، باروس - گامز و همکاران، ۲۰۱۶).

نشخوارگری، عاطفه ی منفی را به واسطه ی افزایش تفکر منفی، حل مساله ی ناکارآمد، تداخل با رفتار هدفمند و کاهش حمایت اجتماعی تشدید و تداوم می بخشد (نولن - هوکسیما، ویسکو و لیبومیرسکی، ۲۰۰۸). نشخوار خشم، افراد را برای درگیر شدن در رفتارهای پر خاشگرانه برای تنظیم عاطفه ی منفی با انگیزه می کند. گریسو، داویس، وسیلینو، اپلبایوم و همکاران (۲۰۰۰) پیشنهاد کردند که رفتارهای خشونت آمیز به عنوان پاسخی به افکار خشونت آمیز را می توان پر خاشگری تکانشگرانه در نظر گرفت، خشونتی که در غیاب بازداری رخ می دهد. از این رو، زوجین در پی نشخوار خشم احتمالاً متوسل به خشونت به عنوان یک راهبرد مقابله ای می شود.

ویلکاوسکی و رایبسون (۲۰۰۸؛ ۲۰۱۰) تاثیر نشخوار فکری بر خشم و رفتارهای پر خاشگرانه را در مدل منسجم شناختی خشم صفت و پر خاشگری واکنشی شرح دادند. این مدل پیشنهاد می کند که افراد با صفت خشم با سه فرآیند شناختی مشخص می شوند که باعث تشدید خشم و پر خاشگری واکنشی می شود: (۱) این افراد شرایط و موقعیت ها را مغرضانه تفسیر می کنند، (۲) به احتمال بیشتری درگیر توجه نشخواری می شوند که این تفاسیر مغرضانه را تقویت می کند و (۳) در به کارگیری کنترل موثر برای کاهش خشم و پر خاشگری واکنشی ناکام اند. بنابراین، به نظر می رسد زنان و مردان دچار دلزدگی زناشویی در پی افزایش مشکلات زناشویی و تعارض های بین زوجین و همچنین مشکلات روان شناختی خود و کاهش عواطف منفی با تمرکز بر نواقص در رابطه ی خود و نشخوار خشم در مورد آن به خشونت زناشویی متوسل می شوند. خودسرزنش گری، صفت شخصیتی و شکلی از خود ارزیابی منفی است که در آن فرد افکار قضاوت گر و محکوم کننده را نسبت به خود به خصوص در زمینه ی اشتباهات ادراک شده، شکست و ناتوانی در برآوردن استانداردهای خود یا دیگران به کار می گیرد (گیلبرت، کلارک، همپل، میلز و همکاران، ۲۰۰۴؛ هرمانتو، زروف، کوپالو - سیبلی، کلی و همکاران، ۲۰۱۶).

References

- Abi-Habib, R., & Luyten, P. (2013). The role of Dependency and Self-Criticism in the relationship between anger and depression. *Personality and Individual Differences*, 55, 921-925.
- Aftab, R., Karbalaie Mohammad Meigooni, A., & Taghilo, S. (2015). Gender differences in the structural model of borderline personality, emotional regulation strategies and domestic violence. *Journal of clinical psychology Andishe va Raftar*, 9(34), 7-16. [Persian]
- Amiri, S., Azad, E., Nasiri, M., & GHasemi GHeshlagh, M. (2016). Discriminant analysis of rumination, pathological anxiety and cognitive emotional regulation strategies based on positive and negative affectivity levels. *Journal of Clinical Psychology Andishe va Raftar*, 10(40), 47-56. [Persian]
- Anestis, M. D., Anestis, J. C., Selby, E. A., & Joiner, T. E. (2009). Anger rumination across forms of aggression. *Personality & Individual Differences*, 46, 192-196.
- Azam Ali, P., & Naylor, P. B. (2013). Intimate partner violence: A narrative review of the biological & psychological explanations for its causation. *Aggression & Violent Behavior*, 18, 373-382.
- Besharat, M. A., & Mohammad Mehr, R. (2009). Psychometric evaluation of Anger Rumination Scale. *Nursing and Midwifery Quarterly*, 65, 36-43. (Persian)
- Borders, A., Earleywine, M., & Jajodia, A. (2010). Could mindfulness decrease anger, hostility, & aggression by decreasing rumination? *Aggression Behavior*, 36, 28-44.
- Capaldi, D. M., Knoble, N. B., Shortt, J. W., & Kim, H. K. (2012). A Systematic Review of Risk Factors for Intimate Partner Violence. *Partner Abuse*, 3, 231-280.
- Costa, B. M., Kaestle, C. E., Walker, A., Curtis, A., Day, A., Toumbourou, J. W., & Miller, P. (2015). Longitudinal predictors of domestic violence perpetration and victimization: A systematic review. *Aggression and Violent Behavior*, 24, 261-272.
- Denson, T. F., Pedersen, W. C., Friese, M., Hahm, A., & Roberts, L. (2011). Understanding impulsive aggression: Angry rumination & reduced self-control capacity are mechanisms underlying the provocation-aggression relationship. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 27, 850-862.
- Dinger, U., Barrett, M. S., Zimmermann, J., Schauenburg, H., Wright, A. G., Renner, F., Zilcha-Mano, S., & Barber, J. P. (2015). Interpersonal problems, dependency, and self-criticism in major depressive disorder. *Journal of clinical psychology*, 71(1), 93-104.
- Gilbert, P., Clarke, M., Hempel, S., Miles, J., & Irons C. (2004). Criticizing and reassuring oneself: An exploration of forms, styles, and reasons in female students. *British Journal of Clinical Psychology*, 43, 31-50.
- Grisso, T., Davis, J., Vesselinov, R., Appelbaum, P. S., & Monahan, J. (2000). Violent thoughts and violent behavior following hospitalisation for mental disorder. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 68, 388-398.
- Hermanto, N., Zuroff, D. C., Kopala-Sibley, D. C., Kelly, A. C., Matos, M., Gilbert, P., & Koestner, R. (2016). Ability to receive compassion from others buffers the depressogenic effect of self-criticism: A cross-cultural multi-study analysis. *Personality and Individual Differences*, 98, 324-332.
- Herrington, R. L., Mitchell, A. E., Castellani, A. M., Joseph, J. I., Snyder, D. K., & Gleaves, D. H. (2008). Assessing disharmony and disaffection in intimate relationships: Revision of the Marital Satisfaction Inventory factor scales. *Psychological assessment*, 20(4), 341-50.
- Komaei, F., & Sedaghati Fard, M. (2015). The Relationship between Sexual dysfunction in women with marital boredom. *Journal of Analytical-Cognitive Psychology*, 6(23), 13-20. (Persian)
- Kayser, K. (1993). *When love dies: the process of marital disaffection*. New York: Guilford Press.
- Kline, R. B. (2005). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling, edition 2*. Guilford press: New York & London.
- Kolubinski, D. C., Nikčević, A. V., Lawrence, J. A., & Spada, M. M. (2016). The Role of Metacognition in Self-Critical Rumination: An Investigation in Individuals Presenting with Low Self-Esteem. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 34(1), 73-85.
- Lievaart, M., Huijding, J., Van der Veen, F. M., Hovens, J. E., & Franken, I. H. A. (2017). The impact of angry rumination on anger-primed cognitive control. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 54, 135-142.
- Lowyck, B., Luyten, P., Corveleyn, J., D'Hooghe, T., Buysse, E., & Demyttenaere, K. (2009). Well-being and relationship satisfaction of couples dealing with an in vitro fertilization/ intracytoplasmic sperm injection procedure: a multilevel approach on the role of self-criticism, dependency, and romantic attachment. *Fertility and sterility*, 91(2), 387-94.
- Mallory, A. B., Dharnidharka, P., Deitz, S. L., Barros-Gomes, P., Cafferky, B., Stith, S., & Van, K. (2016). A meta-analysis of cross cultural risk markers for intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior*, 31, 116-126.

- Martins, T. C., Canavarro, M. C., & Moreira, H. (2015). Adult attachment insecurity and dyadic adjustment: The mediating role of self-criticism. *Psychology and psychotherapy*, 88(4), 378-93.
- Shafiei, M., Basharpour, S., & Heidarirad, H. (2016). Comparison of the meaning of life, suicidal thoughts, and cognitive distortions between female patient affected by post-traumatic stress disorder and non-patient. *Journal of clinical psychology Andishe va Raftar*, 10(40), 67-76. [Persian]
- Shorey, R. C., McNulty, J. K., Moore, T. M., & Stuart, G. L. (2015). Emotion Regulation Moderates the Association Between Proximal Negative Affect and Intimate Partner Violence Perpetration. *Prevention science*, 16(6), 873-80.
- Smart, L. M., Peters, J. R., & Baer, R. A. (2016). Development and Validation of a Measure of Self-Critical Rumination. *Assessment*, 23(3), 321-32.
- Soodani, M., Dehghani, M., & Dehghanizadeh, Z. (2013). The Effectiveness of Transactional Analysis Training on Couple's Burnout and Quality of Couple's Life. *Family counseling and psychotherapy*, 3(2), 159-181. (Persian)
- Straus, M. A., Hamby, S. L., Boney-McCoy, S., & Sugarman, D. B. (1996). The revised Conflict Tactics Scales (CTS2): Development & preliminary psychometric data. *Journal of Family Issues*, 17, 283-316.
- Sukhodolsky, D. G., Golub, A., & Cromwell, E. N. (2001). Development and validation of the anger rumination scale. *Personality and Individual Differences*, 31(5), 689-700.
- Turner, K. A., & White, B. A. (2015). Contingent on contingencies: Connections between anger rumination, self-esteem, and aggression. *Personality and Individual Differences*, 82, 199-202.
- Wilkowski, B. M., & Robinson, M. D. (2008). The cognitive basis of trait anger & reactive aggression, an integrative analysis. *Personality & Social Psychology Review*, 12, 3-21.
- Wilkowski, B. M., & Robinson, M. D. (2010). The anatomy of anger: An integrative cognitive model of trait anger & reactive aggression. *Journal of Personality*, 78, 9-38.
- Zhang, H., Wong, W. C., Ip, P., Fan, S., & Yip, P. S. (2015). Intimate Partner Violence Among Hong Kong Young Adults: Prevalence, Risk Factors, and Associated Health Problems. *Journal of interpersonal violence*, 30(13), 2258-77.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 11 (No. 43), pp. 47-56, 2017

The Mediating Role of Anger Rumination and Self-Criticism Rumination in Relationship between Disaffection and Marital Violence

Koochaki Amir Hendeh, Mona

Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

Ahmad, Karbala'i Mohammad Meygooni

Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

Sabet, Mehrdad

Islamic Azad University, Roudehen Branch, Roudehen, Iran

Received: Feb 17, 2017

Accepted: Feb 30, 2017

Because of the detrimental consequences, marital violence should be attended and prevented through social, educational, and legal policies. Research has addressed disaffection as a factor for distress and turmoil in marital relationships. The aim of this study is to determine the mediation role of anger rumination and self-criticism rumination in the relationship between disaffection and marital violence. Therefore, in a descriptive correlational study, 250 residences in Tehran were selected through a multistage randomized sampling method and tested for conflict resolution tactics, marital disaffection, anger rumination, and self-criticism rumination. Data analysis was performed using structural equation modeling which displayed that disaffection with mediation of anger rumination can predict marital violence ($Z= 2.037$, $\beta= 0.2626$). However, disaffection with mediation of self-criticism rumination doesn't predict marital violence ($Z= 2.037$, $\beta= -0.0664$). Results of the presented study signify that anger rumination motivates people to engage in violent behavior to regulate negative feelings resulted from disaffection.

Keywords: Anger, Marital violence, Self-criticism, Disaffection, Rumination

Electronic mail may be sent to: Monaakochaki@gmail.com